روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲


# روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۱ مهر ۱۳۹۷ • ۱۳ محرم ۱۴۴۰ • ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۴۹ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۸ • اذان صبح‌فردا ۴:۳۰ • طلوع آفتاب ۵:۵۴


روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

## پدر همه تحلیل‌ها!

پوریا عالمی

• هتاکی خواننده‌ای به نام تتلو به مقدسات موجب زبان‌درازی فتنه‌گران و حرمت‌شکنان عاشورای ۸۸ علیه جریان انقلابی شد. محافل رسانه‌ای فتنه‌گران و افراطیون آلوده به ضدانقلاب، با اشاره به ماجرای ملاقات تتلو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی به طعنه می‌گویند برای چه نام‌برده را پذیرفتید؟!

گفتنی است تتلو مدتی است از کشور خارج شده و در فضایی نه‌چندان شفاف، درگیر اجرای پروژه‌هایی است که اتفاقا به کار رسانه‌ای جریان فتنه‌گر و ضدانقلاب می‌آید؛ نظیر ماجرای کشف حجاب دختری به نام مائده هژبری و سپس توهین اخیر به مقدسات. او پس از سفر به ترکیه و کنسرت ناکام، از شبکه بی‌بی‌سی سر درآورد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد او در جریان سفر به ترکیه، توسط سرویس‌های امنیتی بیگانه مدیریت می‌شود و البته اثبات چنین موضوعی، چیزی از مسئولیت وی در بی‌حرمتی و هتاکی به مقدسات (و تحمل مجازات قانونی و شرعی آن) کم نمی‌کند. سزاوار یادآوری است تتلو در سال ۸۸ چندین کلیپ و ترانه برای میرحسین موسوی و ستاد انتخاباتی اصلاح‌طلبان تهیه کرده است. او چند سال پیش، نسبت به گذشته تاریک خود اعلام پشیمانی کرده و گفته بود که توبه کرده و می‌خواهد در خدمت وطن و ارزش‌های اسلامی بخواند و جبران کند. او در برخی آهنگ‌هایش نیز سعی کرد این پشیمانی و جبران را نشان بدهد. منطق اسلامی در قبال این اظهار ندامت، پذیرفتن پشیمانی فرد خطاکار است و حجت‌الاسلام‌والمسلمین رئیسی و خبرگزاری فارس نیز از همین زاویه، تتلو را پذیرفتند تا به‌این‌ترتیب او بتواند گذشته خود را جبران کند. اما رویکرد نیروهای انقلابی به وی یا برخی هنرمندان که مواضع مشابهی اتخاذ کرده‌اند، با آشفتگی و عقده‌گشایی افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی مواجه شد. سایت‌ها و روزنامه‌ها و کانال‌های تلگرامی این طیف؛ چه در هنگام ملاقات تتلو با رئیسی و چه حضور وی در جشن فارس‌پلاس، ضمن هیاهوی شدید سعی کردند این اتفاق را به عبور از اصول یا موضوع انتخابات و رأی جمع‌کنی به هر قیمت (کاری که خود در آن استادتمام و بی‌چارچوب هستند) ربط دهند. همان زمان روزنامه کیهان با بیان اینکه میزان، حال فعلی افراد است و نمی‌توان اظهار توبه به تتلو را نپذیرفت، نوشت: اگر او یا بزرگ‌تر از او (مانند برخی انقلابیون بدفرجام) پا کج گذاشتند، نیروهای انقلابی معترضشان می‌شوند. به راستی آیا پذیرفتن انسانی که می‌گوید پشیمانم و توبه کرده‌ام عار است، یا پسرفت و ندامت برخی چپ‌نماهای رویگردان از انقلاب که با مفسدان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هم‌پیاله شدند، در آمریکا، انگلیس و فرانسه پناهندگی گرفتند، نان‌خور رژیم آل‌سعود شدند و کمک مالی گرفتند (از خاتمی تا مهاجرانی)، با زنان نامحرم ایتالیایی دست دادند، کشف حجاب کردند، با جام شراب به تمسخر پرچم عزای مقدسات پرداختند، با گوگوش و فعالان بهایی شبکه بی‌بی‌سی و من‌وتو، رفیق گرمابه و گلستان شدند و از گوگوش تا سروش (اکبر پونز و روحانی‌نماهای باند مهدی هاشمی و ملی‌مذهبی‌ها و سلطنت‌طلب‌ها و ساواکی‌ها) را یک جا دور هم جمع کردند؟! فساد و خیانت واقعی مربوط به کسانی است که مزدوری آمریکا و انگلیس و اسرائیل را کردند و دست‌کم دوبار آشوب راه انداختند و علنا در نشریات خود- آن هنگام که داغ بودند- گفتند «علیه خدا هم می‌شود تظاهرات کرد، باید ختم انقلاب را گرفت، اسلام ارتجاعی است» و کف خیابان علیه مقدسات هتاکی کردند و درباره علت جنبش سبز کذایی گفتند که «ما می‌خواهیم شراب بنوشیم و با مینی‌ژوپ به خیابان بیاییم و اسلام نمی‌گذارد». به عبارت دیگر، می‌توان گفت تتلو امروز ته صف و اردوگاهی ایستاده که فتنه‌گران طعنه‌زن، پیشگام و خط‌شکن آن- به نیابت از جبهه استکبار - بوده‌اند. درواقع جریان حزب‌اللهی می‌خواست او را نجات دهد و جریان آلوده به ضدانقلاب سعی کرد او را به منجلابی که خود در آن قرار گرفته‌اند، بازگردانند. بازگرداندن تتلو به بخشی از معارضه با دین توسط ضدانقلاب، چیزی از بزرگواری نیروهای انقلابی در زمینه دادن فرصت توبه کم نمی‌کند؛ اما نشان می‌دهد که فتنه‌گران آلوده به نفوذ به رسم همه منافقین، ارتجاع و انحطاط و سقوط افراد را بر دادن فرصت جبران به آنها ترجیح می‌دهند. این نکته نیز بدیهی است که برخی افراد موفق به توبه می‌شوند و برخی دیگر، مانند معتادان فاقد اراده و استقلال، دوباره به جاهلیت و انحطاط قبلی بازمی‌گردند. به یقین منطق دین این نیست که به‌خاطر ریزش‌ها و عقبگردهای مجدد و محتمل، فرصت توبه از افراد سلب شود». مطلب بالا را ۲۰ بار با دقت بخوانید و صدبار از روش بنویسید. چرا؟ این یادداشت را با سوفیا و بابای سوفیا توی روزنامه کیهان خواندیم و اول کلی خندیدیم و بعد کلی گریه کردیم. خندیدیم که اینها چی می‌گویند و چه تحلیل یک‌بوم‌ودوهوایی دارند. بعد گریه کردیم که الان سال‌هاست که همین‌ها را می‌گویند و وضعیت هم یک‌بوم‌ودوهواست! بعد سوفیا گفت: میدون دوم! عزیزم! عشقم! چون این تحلیل عمیق در ستون طنز روزنامه کیهان منتشر نشده، متأسفانه شاید خیلی‌ها آن را نخوانند. تو این تحلیل عمیق را که مو لای درزش نمی‌رود بردار توی ستون صفحه آخر روزنامه «شرق» چاپ کن که مردم هم شبیه ما اول بخندند، بعد زارزار گریه کنند. بعد به این نتیجه برسند که با چنین تحلیل‌ها و مدیریت فکری همین که الان وضعیت ما این است، جای شکر دارد. درواقع تحلیل‌های کیهان پدر همه تحلیل‌هاست که پدر همه تحلیلگرها را درآورده است.

کارتون خواب

آلفردو مارتیرنا

اتفاق

## جگرگوشه‌اش برنگشت

صبح دیروز صدای گلوله در اهواز پیچید؛ گلوله‌های یک حمله تروریستی. گلوله‌هایی که برایش فرق نمی‌کرد به کودک و زن شلیک شده یا به گزارش یک شاهد عینی در ایسنا به آمبولانس. رژه نیروهای مسلح قتلگاه سربازان، حاضران و مردمی شد که از خیابان‌های آن حوالی عبور می‌کردند. جانبازی که نمی‌توانست با فرمان بنشین زمین از ویلچرش بلند شود. کودکی که به دست دژبان از منطقه دور می‌شد و زن عکاسی که حتی در آن لحظه خطر دوربینش را رها نمی‌کرد. اینها بخشی از عکس‌های تلخی بود که از این حمله تروریستی در خبرگزاری‌ها منتشر می‌شد و چشمان بینندگانش را پر از اشک می‌کرد. در شبکه‌های اجتماعی کاربران واقعی بهت‌زده بودند و خشمگین. انتظار این اتفاق را کمتر کسی در آستانه بازگشایی مدارس، در آغاز هفته دفاع مقدس و در روز جشن شکوفه‌ها می‌کشید. ۳۱ شهریور امسال دوباره صدای گلوله‌ها در شهری که هشت سال هر روز با اشک و خون و گلوله همراه بود، شنیده شد. آغاز هفته دفاع مقدس خونین شد. در۱۰دقیقه‌ای که به گزارش ایسنا به رژه نیروی‌های مسلح به مردم و جایگاه تیراندازی شد، شکل دیگری از خشونت شکل گرفت. خون و گلوله یادآور بی‌پناهی مردم بود. خون و گلوله اشک‌ها را سرازیر کرد. حمله تروریستی اهواز داغی بزرگ بر دل ایرانیان گذاشت و هرکس به‌گونه‌ای با آن همدردی کرد. هشتگ‌های حمله_تروریستی_اهواز، تسلیت_اهواز، قربانیان_اهواز و ... از جمله هشتگ‌هایی بود که کاربران با آنها نظراتشان را بیان می‌کردند. سفیر #انگلیس در تهران توییت کرد: «یک حمله تروریستی تکان‌دهنده هر جایی که اتفاق بیفتد، تروریسم باید محکوم شود. تسلیت به خانواده قربانیان #اهواز». برخی از کاربران به نحوه برخورد براندازها و گروه ۴۰نفره فرشگرد اعتراض شدیدی کردند و پرسیدند:

«وقتی از #حمله_بشر_دوستانه حرف می‌زنیم، از چه حرف می‌زنیم؟». عده بسیاری مانند کاوه مدنی نیز این حمله تروریستی را محکوم کردند.

اما بحث‌های رسانه‌ای بار دیگر در این حمله تروریستی مورد توجه قرار گرفت.

عکس خانم عکاسی که در هنگام حمله با دوربینش در حال عکاسی است و چند عکاس دیگر که در حال فرار نیز عکاسی می‌کنند، مورد استقبال قرار گرفت. اما در این میان نحوه عملکرد شبکه‌های فارسی‌زبان و برخی مجریان با واکنش منفی بسیاری روبه‌رو شد. برخی دیگر هم به نحوه انعکاس خبر در رسانه‌های مکتوب بیگانه اعتراض کردند و پرسیدند: «چگونه اگر یک مسلمان در کشوری غربی چند نفر را زیر بگیرد، «حمله تروریستی» است اما اگر عده‌ای با اسلحه در خیابان‌های ایران به مردم شلیک کنند، نامش «حمله مسلحانه» است؟» اما هنگامی که گزارشگر ایران اینترنشنال با خوش‌آمدگویی به سخنگوی گروهک تروریستی مصاحبه یک‌طرفه و بدون چالشش را انجام داد، بار دیگر بحث وابستگی این رسانه به دولت‌های ضدایرانی داغ شد و بی‌طرفی آن باردیگر زیر سؤال رفت. سؤال این بود که وقتی «تصاویر اهواز پر از زنان و بچه‌هایی است که در پارک دنبال پناه می‌گردند و صدها دلی که امروز که جشن شکوفه‌ها بود، مضطرب شدند، چرا گزارشگر در مقابل ادعایی که این حمله را «حمله به یگان سپاه» جلوه می‌دهد، سؤالی نمی‌پرسد».

عکس‌ها: مهر

شاید برای نخستین‌بار ایران به‌شکلی جدی خواستار پیگیری رفتار رسانه‌ای برخی شبکه‌ها شده است. بعیدی‌نژاد، سفیر ایران در انگلیس، توییت کرد: «شبکه ایران اینترنشنال در اقدامی بی‌شرمانه مصاحبه‌ای از سخنگوی گروه تروریستی که امروز افراد زیادی را به خاک‌وخون کشید، پخش کرد. سفارت ایران در لندن ضمن محکومیت این اقدام، برخورد جدی نهاد نظارتی در انگلیس (آفکام) با این اقدام به‌عنوان ترویج تروریسم و خشونت را پیگیری فوری می‌نماید». یکی از کاربران نیز با سه کلمه «جگرگوشه‌اش برنگشت» و دیگری با «پسرت برنمی گرده» به سربازانی که در حین انجام وظیفه شهید شده بودند، ادای احترام کردند. در این میان دولت نیز که تا ظهر هنوز تصمیمی برای اعلام عزای عمومی نگرفته بود، مورد پرسش قرار گرفت. البته مردم و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی در شبکه‌های اجتماعی عزادار بودند و با نوشتن ایران عزادار است، مردم ایران تسلیت، با خانواده‌های شهدای اهواز همدردی خود را اعلام می‌کردند. محسن چاووشی نیز با عکس‌های منتشرشده قطعه‌ای را با صدای خودش منتشر کرد.

مغز اجتماعی-۳۵

## احساس زیاد قدرت با مغز چه می‌کند؟

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

تجربه تاریخی نشان از این دارد که اگر در مقابل احساس قدرت افراطی، ابزارهای اجتماعی مهار آن ضعیف باشد موجب شرایطی می‌شود که آن را هنری آدامز، تاریخ‌شناس، مانند غده‌ای سرطانی می‌داند که شفقت را در انسان می‌کشد. بسیار می‌شنویم که قدرت، مسمومیت و فساد می‌آورد. اگرچه مغزپژوهان تنها در دو دهه گذشته شروع به جست‌وجوی یافتن ریشه‌های این تغییرات کرده‌اند، یکی از یافته‌های مهم در این زمینه این است که در هنگام احساس زیاد قدرت، توان احساس همدلی با دیگران، به عبارتی نگاه‌کردن به مسائل از دیدگاه دیگری، از دست می‌رود. در آزمایشی ساده، دانشمندان متوجه شدند که افرادی که احساس قدرت می‌کنند سه‌برابر کمتر از افراد عادی قادر هستند که حرف E را طوری روی پیشانی خود بنویسند که توسط دیگران درست خوانده شود. شاید به همین علت جورج دبلیو بوش در مراسم المپیک ۲۰۰۹ پشت پرچم آمریکا را به طرف جمعیت گرفته بود. در ضمن در این پژوهش‌ها نشان داده شده که افراد با احساس قدرت زیادتر از حد قادر به تشخیص سریع و دقیق احساسات در تصاویر چهره دیگران نیستند. پژوهشگران دانشگاه برکلی متوجه شده‌اند که شبکه نورون‌های آینه‌ای مغز افرادی که احساس قدرت بالایی دارند، کمتر از دیگران فعال است. افراد پرقدرت، توان تقلید از دیگران را از دست می‌دهند. با دیگران نمی‌خندند و با آنها احساس تنش و ناراحتی نمی‌کنند و دریچه‌ای از مغزشان که می‌باید به دنیای احساسی دیگران گشوده بماند، بسته می‌شود. این ناشی از ازکارافتادن شبکه نورون‌های آینه‌ای مغزی، اولین تشکیلاتی است که اساس احساس همدلانه فرد با دیگری را شکل می‌دهد. این انعکاس آینه‌ای در مغز پیش از تقلید شکل می‌گیرد و غیرارادی و ناآگاهانه است. اما افراد برای رسیدن به قدرت باید نشان دهند که احساس همدلانه بالایی نسبت به دیگران دارند، درحالی‌که پس از رسیدن به اوج قدرت، توان اولیه احساس همدلانه نسبت به دیگران را از دست می‌دهند. این پدیده را پارادوکس قدرت نام نهاده‌اند. لرد دیوید اوئن، پزشک نورولوژیست و وکیل مجلس وزیر خارجه اسبق بریتانیا، در سال ۲۰۰۸ کتابی به نام «با بیماری در قدرت» نوشته و در آن به مشکلات مغزی در صاحبان قدرت سیاسی در آمریکا و انگلیس پرداخته است. در این کتاب و در مقاله علمی دیگری که همراه با جاناتان دیویدسون در مجله معروف برین (مغز) نوشته، بروز سندرم نخوت در قدرتمندان سیاست این دو کشور را مطرح می‌کند. اوئن تأکید می‌کند که حتی در تشکیلات دموکراتیک غرب نیز سندرم نخوت در اوج قدرت جاه و مقام بروز آشکاری پیدا می‌کند و رهبران توجه همیارانه، همدلانه و شفقتمندانه خود را نسبت به افراد پایین‌دست خود از دست می‌دهند. اوئن می‌نویسد گاه در کنار این قدرتمندان کسانی هستند که سعی در متوجه‌کردن آنها برای احتراز از گرفتارآمدن در دام سندرم نخوت دارند. او لوئیس هاو، مشاور سیاسی فرانکلین روزولت، چهار دوره رئیس‌جمهور آمریکا را مثال می‌زند که روزولت را عمدا به اسم کوچک فرانکلین صدا می‌کرده است تا از نخوت او بکاهد. این وظیفه را در مورد وینستون چرچیل، همسرش (کلمنتین)، برعهده داشت که دائما پس از اشغال پاریس توسط هیتلر، رفتار غیردوستانه چرچیل را به او گوشزد می‌کرده است. ایندیرا نویی، رئیس شرکت پپسی‌کولا، تعریف می‌کند وقتی با افتخار و غرور به خانه می‌رود تا خبر به‌قدرت‌رسیدن خود در کمپانی را به مادرش بدهد، مادرش به او دستور می‌دهد تا برود شیر بخرد. وقتی شیر را می‌خرد و به خانه برمی‌گردد، مادرش به او می‌گوید: برو آن تاج لعنتی را هم بینداز در گاراژ و برگرد! بااین‌همه گویا کارایی کاهش احساس همدلانه و بروز سندرم نخوت حاصل از احساس قدرت، قوی‌تر از این پادزهرهای موقت است. به قول اوئن، برای یافتن پادزهری مؤثرتر، احتیاج به مطالعات و تحقیقات وسیع‌تر برای سندرم نخوت زاییده احساس قدرت بی‌مهار است که گویا هرچه بیشتر در ارکان مؤسسات قدرتمند جامعه سرمایه‌داری امروز نفوذ کرده و به شیوع مسمومیت و فساد گسترده سیاسی و اقتصادی دامن زده است.

همین حوالی

## کودکان برای صلح

زهرا جوهرچی

کودکان آسیب‌پذیرترین قشر اجتماعی هستند. آنها برای رشد و بالندگی به محیط آرام و باثبات خانوادگی و اجتماعی نیاز دارند. کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ تصویب شد، مقرر می‌دارد که همه کودکان حق رشد در فضای صلح‌آمیز و عاری از خشونت را دارند و همه آحاد جامعه باید به چنین امری کمک کنند. انجمن پرنده درخت کوچک از بدو تأسیس، گسترش فرهنگ صلح را هدف خود قرار داده و با آموزش صلح به کودکان و خانواده‌های آنان در ارتقای فرهنگ صلح کوشیده است. همچنان که اکنون کُرد و ترک، ایرانی و افغانستانی در کنار هم با مودت و دوستی زندگی می‌کنند. درحالی‌که در ابتدای فعالیت انجمن، متأسفانه شاهد درگیری‌ها و چالش‌های بسیاری بین آنان بودیم. خوشبختانه امروز شورای مادران انجمن ترکیبی از همه اینهاست که با خوبی در کنار یکدیگر فعالیت می‌کنند. مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا هم از سال ۱۳۷۸ توجه به برنامه‌های صلح را در دستور کار خود قرار داده است. اینکه جنگ‌افروزان واقعی کدام کشورها هستند، موضوع این مقاله نیست. سازمان ملل آمارهای تکان‌دهنده‌ای در سال ۲۰۱۸ از کودکان آواره کشورهای سوریه، افغانستان، سودان، میانمار، سومالیا ارائه داده است که اگر کودکان آواره عراق و فلسطین هم اضافه شوند، عمق فاجعه نمایان می‌شود. در قرن ۲۱ که انتظار صلح و دوستی می‌رفت جنگ‌ها با نمایی جدید پا به عرصه گذاشتند. این در حالی است که سازمان ملل سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ را دهه بین‌المللی صلح نامید و فرهنگ ترویج صلح را امری الزامی دانست. مسئولیت تأمین غذا، بهداشت، آموزش و مسکن بر عهده نهادهای جامعه است اما کودکان بی‌پناه نه‌تنها از داشتن آنها محروم‌اند بلکه در سوریه و... از این آوارگان استفاده نظامی می‌شود یا برای مقاصد جنسی خرید و فروش می‌شوند. بسیاری از این کودکان، صلح را هرگز تجربه نکرده‌اند و غالب آنها یکی از اعضای خانواده‌شان را از دست داده‌اند. از آنجا که اداره فردای جهان بر دوش کودکان امروز است، کودکانی با سوءتغذیه، بیماری جسمی و روانی، بدون انگیزه و امیدواری آیا می‌توانند آینده کشورشان را تأمین کنند؟ هاینریش بُل، نویسنده آلمانی، در کتاب «آدم کجا بودی» می‌نویسد: «بعد از هیتلر، همه آلمان درک کردند که او چه بلایی بر سر کشور و زیربناهای آن آورده است...، اما یک‌چیز نابودشده اساسی بود که هرکسی نمی‌فهمید و آن خیانت هیتلر به کلمات بود. خیلی از کلمات شریف، دیگر معنی خود را از دست داده بودند، پوچ و مسخره شده بودند، عوض شده بودند، اشغال شده بودند. کلماتی مانند: آزادی، آگاهی، صلح، پیشرفت و عدالت». نقشی که ادبیات هر کشور در ترویج صلح کودک ایفا می‌کند، بسیار حائز اهمیت است. ناصر یوسفی از چند کتاب نام می‌برد که هشداری برای جنگ است و شعاری برای صلح. یکی از آنها ساداکو و دُرناهای کاغذی است[1]. کودکان معلول و معلول بازمانده از جنگ به مراقبت و توجه بیشتری نیاز دارند و بی‌توجهی به آنان به‌دور از عدالت است. دسترسی این کودکان به مدرسه و تأمین وسایلی چون واکر و ویلچر برای آسایش آنها از وظایف دولت‌هاست. باید امید به زندگی را در آنها تقویت کرد و روزهای درخشان آینده را به آنها نوید داد. معلولیت جسمی نباید مانعی در عشق به زندگی و آینده آنها باشد. نکته اساسی این است که کودکان بدون توجه به نژاد، رنگ، جنسیت و ملیت باور کنند که موجود مهمی هستند، باور کنند که وجودشان منحصربه‌فرد و برای خانواده و کشور باارزش است. اگر کودک بداند که غذا، مسکن، خانواده و حمایت‌کننده دارد احساس امنیت می‌کند و این همان صلح است. فرهنگ صلح به برنامه‌ریزی بلندمدت و دقیقی نیاز دارد که سهم آموزش‌وپرورش در آن بارز است. کشورهایی مانند هندوستان موفق شده‌اند از طریق آموزش‌وپرورش، تأثیر خوبی بر زندگی مردمان خود بگذارند[2].

وقتی سخن از صلح می‌رود باید از آموزه‌های زنده‌یاد بانو توران میرهادی در اهمیت فرهنگ صلح یاد کرد. او صلح را در دو شکل درون و برون تحلیل می‌کند. صلح درون به باور ایشان احساس هماهنگی با محیط است که از دوران جنینی و تولد شکل می‌گیرد. نقش خانواده بسیار اهمیت دارد. فرهنگ صلح از آشتی‌بودن با خود، مهربان‌بودن، اعتمادبه‌نفس، هماهنگی با محیط و دوست‌داشتن خانواده و اطرافیان و غلبه‌کردن بر خشم و نفرت و احساس جنگیدن است. میرهادی در تعریف صلح برونی، به نکته مهمی اشاره کرده است و اینکه چگونه انسان‌ها جنگ‌طلب می‌شوند. او چهار اتفاق را بنیان جنگ‌افروزی افراد می‌داند: ابتدا انسان‌ها احساس ناامنی کنند، سپس به باور قدرت‌خواهی برسند، بعد وجودشان پر از هیجان و اضطراب شود و سرانجام باید دشمنی را تصور کنند که چیره‌شدن بر این دشمن را حق خود بدانند. این بازی روان‌شناسانه را هیتلر در جنگ جهانی برعهده داشت و حالا آمریکا[3]. آزادی، عدالت، شناختن حقوق خود و احترام به حق دیگران، پذیرش انسان‌های دیگر با هر رنگ، نژاد و دین و عقیده از محورهای رسیدن به صلح است.

کودکانی که بسیاری از آنها هنوز وحشت انفجار بمب و کشته‌شدن نزدیکان از ذهنشان پاک نشده است، به حمایت و پشتیبانی افراد صلح‌طلب و انسان‌دوست دل‌بسته‌اند. باشد که گامی در این راه برداریم. انجمن پرنده درخت کوچک نیز با تبریک به مناسبت روز جهانی صلح دنیایی مملو از صلح و آرامش را آرزومند است.

**منابع در دفتر روزنامه موجود است.**

گزارش فردا

## همه ما مسئولیم

مریم مطلبی

هرساله در ایام عزاداری گردهمایی و همدلی مردم به نمایش گذاشته می‌شود. در کنار عزاداری‌ها که به اشکال گوناگون در سراسر ایران برگزار می‌شوند، سنت نذری‌دادن غذا هم یکی دیگر از جنبه‌های مثبت این ایام است که علاوه‌بر امکان کمک به فقرا، بسیاری هم که از امکانات مالی برخوردارند از آن به‌عنوان تبرک استفاده می‌کنند. طبق آمار رسمی، بیش از ۹۱ هزار هیئت و ۷۲ هزار مسجد در سراسر کشور موجود است. بسیاری از هم‌وطنان نیز هیئت‌های خودجوشی بنا کرده و در منازل خود نذر خود را ادا و غذا توزیع می‌کنند. طبق آمارها، با افزایش مصرف اقلامی مانند برنج، روغن و حبوبات به میزان ۳۵ درصد در این ایام نسبت به ماه‌های دیگر سال و افزایش ۳۰ درصدی مصرف گوشت برای طبخ نذری و توزیع آن، ظروف یک‌بارمصرف هم فراوان می‌شود. طبعا در شرایط جمع‌آوری زباله‌های تولیدشده و پرهیز از استفاده از ظروف پلاستیکی، توجه به مسائل محیط‌زیستی نیز باید جلب شود.

ایران جزء ۱۰ کشور پرمصرف پلاستیک و ظروف یک‌بارمصرف است. پلاستیک از نفت و گاز مشتق می‌شود و باید توجه کرد که پلاستیک در طبیعت تجزیه‌ناپذیر است و تجزیه مواد پلی‌اتیلنی و پلاستیکی بیش از پنج قرن طول می‌کشد، ولی این تنها مشکل نیست، بلکه در این زمان پلاستیک به قطعات ریز میکروپلاستیک تبدیل می‌شود که موادی سمی از آن نشت می‌کند و وارد طبیعت یعنی آب، خاک و هوا و نیز سیستم غذایی‌مان می‌شود. دیگر مشکل عمده ظروف یک‌بارمصرف پلاستیکی این است که در مجاورت گرما و در صورت استفاده برای غذای گرم، ماده‌ای به نام استاین از آنها آزاد می‌شود که سرطان‌زا، سمی و آلرژی‌زاست. همچنین ماده بیسفنول باعث برهم‌خوردن بالانس هورمونی بدن می‌شود و از عوامل ایجاد سرطان سینه است. می‌بینیم که مصرف پلاستیک هزینه‌های بالایی؛ چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر ما تحمیل می‌کند؛ از سیستم بهداشتی و بیمه گرفته تا هزینه‌های بازیافت و هزینه‌هایی که به علت تخریب محیط زیست به وجود می‌آید. حتی کشورهای آفریقایی مانند کنیا، مالی (رتبه ۱۷۸ در فقر بین ۱۸۲ کشور)، تانزانیا، اتیوپی، مالاوی و روآندا به مضرات مصرف پلاستیک پی برده و برای جبران آن اندیشه کرده‌اند، برای مصرفش مالیات وضع کرده یا به‌عنوان مثال، مصرف پلاستیک یک‌بارمصرف را ممنوع کرده‌اند. ما که در مورد آلودگی هوا به‌حق از دولت شکایت داریم، مصرف بالای سرانه پلاستیک و ظروف پلاستیکی را به گردن چه کسی می‌اندازیم؟ به‌طورکلی کاهش مصرف، استفاده مجدد و بازیافت باید سرلوحه زندگی ما باشد، ولی آیا جایی که ظروف پلاستیکی در قبال خدمتی کوتاه‌مدت، صدمات بلندمدتی به سلامت و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم و فرزندانمان را پرورش می‌دهیم، تحمیل می‌کنند نباید به حذف آنها فکر کنیم؟ خوشبختانه در سال‌های اخیر این مهم مورد توجه تولیدکنندگان جهانی و ایرانی قرار گرفته و ظروفی را تولید می‌کنند که از جنس مواد گیاهی مانند نشاسته ذرت، سیب زمینی و گندم است و به ما امکان جایگزینی پلاستیک را می‌دهد، اما به علت گرانی این مواد و مشکلاتی که کارخانه‌های تولیدکننده آن دارند، هنوز استفاده از آن فراگیر نشده است. جلوگیری از خرید پلاستیک، تولیدکنندگان را نیز به سمت‌وسوی تولید ظروف گیاهی رهنمون می‌کند و این خود قدمی است به سوی آینده‌ای بهتر. دولت نیز با سوبسیدهای تشویقی و حمایت از تولیدکنندگان ظروف گیاهی و بستن مالیات بر پلاستیک، سیاست‌های تشویقی و تنبیهی و حمایت از فرهنگ‌سازی و آگاهی‌رسانی در این راستا می‌تواند به قسمتی از وظایف خود عمل کند. حساسیت دولت و سازمان محیط زیست به این مسئله نیز ضروری است و خود می‌تواند الگو باشد. وزارت بهداشت و سازمان محیط زیست می‌توانند گردهمایی مردم در این ایام را موقعیتی بی‌نظیر تلقی کنند برای آنکه بهترین الگو را در این ایام اجرا کنند. سخنرانان مذهبی و مداحان و گردانندگان هیئت‌ها هم نقش فراوانی در این فرهنگ‌سازی دارند. هدایت و آگاهی‌رسانی درباره پاس‌داشتن محیط زیست که امانت خدا نزد بشر است نیز از وظایف مسئولان و سخنرانان مذهبی است. به‌طورکلی مردم در حفاظت از محیط زیست در طول مراسم و بعد از پایان مراسم نقش مهمی دارند. اگر همه خود را مسئول پاک‌سازی بعد از مراسم بدانند و بار سنگین رفتگران عزیز را کم کنند، بی‌شک زندگی بهتری در انتظار مردم کشورمان خواهد بود.

پیشخوان

### بندرودریا منتشر شد

به مناسبت حضور عالی‌ترین مقام بین‌المللی دریایی در تهران، ماهنامه «بندر و دریا» در شماره ۲۵۷ خود ویژه‌نامه‌ای درباره این سفر منتشر کرده است. بخش اجتماعی این شماره به موضوع آموزش مفاهیم دریایی پرداخته است؛ در این بخش براساس شعار هفتادمین سال تأسیس آیمو به مرور تأثیر آموزش مفاهیم دریایی در زندگی جوانان و نوجوانان پرداخته شده و با محمود امانی‌تهرانی، مدیرکل دفتر تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و عزیزی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، ابعاد مختلف این موضوع بررسی شده است.